

کسی دیگر سراغ نرگس را نمی‌گیرد. حرف، حرف سنبل و پامچال است. شلوغی بازار گل کرده است. گوشه‌کنار برخی مغازه‌ها باسطی از هفت‌سین پهن است؛ از پامچال و سننبلی که به‌جای نرگس رنگ و لعاب به مغازه‌ها داده‌اند تا ماهی و آیینه.

بازارها در گوشه‌وکنار مشهد گرم و شلوغ است؛ شلوغی ای که تا وسط خیابان‌ها هم کشیده شده؛ انگار ترافیک در اسفندماه ساعت ندارد. گرچه امسال بوی بهار از اواسط بهمن می‌آمد، جنب‌وجوش بهاری در این روزهای آخر اسفند بیشتر از هر زمانی به چشم می‌خورد. خیابان‌های پر از ماشین و پیاده‌وهای پر از مردم.

هر گوشه شهر که سر می‌زنیم، هر صنفی به اندازه خودش چشم به‌بازار عید دوخته است. قالی‌شویی‌ها وقت سحر خارانند ندارند؛ برای آرایشگاه رفتن، باید وقت قبلی گرفت؛ آژانس‌های هواپیمایی و پایانه‌های مسافربری کار و بارشان سکه است. بلیت قطار هم که دیگر گیر نمی‌آید. مکانیک‌ها و تعمیرکارهای ماشین حسابی بازارشان داغ شده است. پلیس راهنمایی‌ورانندگی تقریباً از همین روزها فعالیت خود را شروع کرده است که «خودروهائیتان را برای معاينه فنی ببرید و سرعت مجاز را رعایت کنید و کمربندهائتان را ببندید.» آن‌هایی هم که سفر نمی‌روند، در تدارک‌اند برای پذیرایی از مهمانان نوروزی‌شان. شرکت‌های خدماتی هم تا می‌توانند این روزها نرخ‌های خدمات را افزایش می‌دهند؛ از آب و جارو کردن راه‌پله‌های یک آپارتمان تا تمیز کردن در و پنجره‌ها همه و همه برای خودش قانن دارد و نرخ‌های مختلف. عده‌ای هم این وسط حرص می‌خورند که چرا میشلان را عوض نکرده‌اند یا فرش خانه‌شان کهنه شده است و…

در کل این روزها هرکس به هر طریقی هر چه از دستش بر می‌آید، انجام می‌دهد برای نو شدن و تکانی بر سر و روی زندگی.

کسیه می‌گویند این خاصیت بازار دم‌عید است. هرچند کسبه دلیل بخشی از شلوغی بازارها را گشت‌وگذار می‌دانند تا اینکه خرید و فروشی اتفاق بیفتد.

- دور دور پیراهن فروش‌هاست

رفت‌وآمد در راه‌روه‌های یکی از مجتمع‌های تجاری هسته مرکزی شهر، دسته‌جمعی و گروهی است. عده‌ای هر چند تانیبه جلو ویتروینی توقف می‌کنند تا تمام خوب یا بد لباس‌های تن مانکن را تحلیل کنند. دور دور پیراهن فروشی‌های مردانه است. چند زن محال یکی از ویترونی‌های پیراهن مردانه، در حال بررسی هستند. در خلافت روال عادی بازار، این‌بار استقبال از پوشاک مردانه در بازار خودنمایی می‌کند.

آزیدی، یکی از این بانوان، می‌گوید: روز مرد نزدیک است. آمده‌ایم بازار پیراهن مردانه بخریم. امسال روز پدر با سال تحویل یکی است.

- امسال فقط برای بچه‌ها می‌خریم

جلو در ورودی و میان ازدحام جمعیتی که می‌خواهند داخل پاساژ بروند یا از پاساژ خارج شوند اگر سردرگم ماندن یا رفتن باشی سه‌چهار نفری سراغ می‌آیند؛ «خانم تاکسی دریست.» داخل یکی از راه‌روه‌های این مجتمع تجاری، مردی پسر بچه‌ای را در آغوش دارد و دوش به‌دوش همسر، چشم به‌ویترونی‌های لباس بچه دارد. خودش را وحید معرفی می‌کند و می‌گوید: برای خرید عید به بازار آمده‌ایم، اما چون قیمت‌ها زیاد است فقط برای بچه‌ایمان خرید می‌کنیم. بچه‌ها اگر صد دست‌لباس بخرند، به‌دنبال رخت و لباس نو هستند. با یک دست لباس نو شاد می‌شوند و ما هم شادیم به شادی بچه‌ایمان.

- بازار داغ باقالی

بوی گلبر با بخار باقالی در سرمای هوای اسفندماه در هم پیچیده است. چند نفر دور

در جست‌وجوی عید

روایتی از تکاپوی مردم برای خرید و استقبال از بهار در بازارهای شلوغ مشهد



عکس‌نهمیده‌عفتروبان شهوار

می‌گوید ۱۰سال دارد. چشم‌های کوچک امیرعباس به رهگذران دوخته شده است تا تن صدای باقالی‌فروش و توضیحاتش درباره باد جلو راهشان سبز شود؛ «دونات تازه. دو تا «باقالی داغ با گلبر فراوان و فلفل قرمز فقط ۵هزار تومان.» ظرفیت صندلی‌های فلزی دور آب‌نمای ابتدای بازار جنت پر است؛ حتی جوانان هم گوشه‌چشمی به این صندلی‌ها دارند تا اگر خالی شد، برای چند دقیقه خستگی رفع کنند.

وارد یکی از مغازه‌ها می‌شویم. چانه‌زنی برای کم‌کردن قیمت، بخشی از خریدهای نوروزی است، به‌خصوص اینکه فروشنده‌ها نسبت‌به دیگر ایام سال، جدی‌ترند و کمتر تخفیف می‌دهند. خانمی برای ۵هزار تومان تخفیف، مانتو را سر چوب لباسی می‌گذارد و منصرف از خرید از مغازه بیرون می‌رود. فروشنده رو به ما می‌گوید: مردم توقع دارند در خرید هر جنسی ۲۰، ۳۰درصد تخفیف بگیرند. انگار این قانون نانوشته بازار است. البته تقصیر بعضی از بازاری‌هاست که الکی قیمت اجناس را زیاد می‌کنند و بعد خوب تخفیف می‌دهند. همین موضوع سبب شده مردم تصور کنند قیمت روی اجناس، نمادین است و قیمت اصلی بعداز چانه‌زنی مشخص می‌شود.

- استقبال گرم از شب‌بازارهای سرد

حال و هوای عید را در جایی بهتر از بازارها نمی‌توان دید؛ حتی در شنب بازارهای شهر که در سوز سرما، مردم شب‌شان را به خرید و فروش گره زده‌اند. جایی مثل شنب‌بازار هدایت که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در آن پیدا می‌شود. حالا در اینجا همه آمده‌اند؛ چه آن‌ها که جیبشان خالی از حقوق و مزایای متناسب‌با خرجشان است و چه آن‌ها که باوجود دل‌مشغولی‌های آخر سال، گذشتن از خرید برایشان چندان دل‌چسب نیست.

همان اول بیابازار، کاسب جوان روسری و شال‌هایش را بساط کرده است و یکی را به‌عنوان نمونه در دست گرفته و مقابل نور لامپ در هوا می‌چرخاند. نور که روی این چاره‌های رنگی و پر از طرح می‌افتد، دل خریداران را می‌برد؛ به‌ویژه اگر فروشنده بگوید: «زیر قیمت بازار بخر.»

فروشنده‌ای فریاد می‌زند؛ «روسری‌های رنگارنگ، از همه رنگ. بیا این رو بازار.» راسته خیابان هدایت، یکی از شب‌بازارهایی است که اگر همه مشهدهی‌ها را به بطن شلوغی‌هایش نکشاند، جمعیت زیادی از اهالی هسته مرکزی شهر را تا دو قدمی خرید آورده است.

می‌پرسم: قیمت اجناس شما از مغازه‌ها رزان‌تر است؟ یک مشتری خانم گفت‌وگویمان را قطع می‌کند و می‌پرسد: قواره کوچک این روسری‌ها چند است؟ فروشنده جواب مشتری‌اش را می‌دهد و بعد از آن هم پاسخ سؤال ما را؛ «قیمت در شب‌بازارها زیری می‌مغازه‌هاست.»

غرفه شال و روسری خیلی شلوغ است. خانم‌ها را روی سرشان می‌اندازند تا چهره‌شان را در آینه ببینند. زن‌ها در این شب‌بازار بیشتر از اهالی خیابان ابوطالب هستند؛ همسایه‌های بوستان بزرگ حجاب. این‌ها همیشه از شب‌بازار خرید می‌کنند. خانمی می‌گوید: حتماً جیب ما به قیمت‌های اینجا می‌خورد که فقط از این بازار

خرید می‌کنیم! بالاخره مغازه‌دارها اجاره‌های بیشتری دارند که همین روی قیمت‌هایشان اثر می‌گذارد. در الماس شرق، همین روسری ۱۰۰تومن قیمتش است؛ چه کسی ۱۰۰تومن می‌دهد به روسری؟ ما که نمی‌دهیم. خیلی‌ها پول زیاد می‌دهند و خیالشان نیست.

- لوازم خانگی فقط ایرانی

به غرفه لوازم خانگی می‌رسیم. خانمی از فروشنده می‌پرسد: می‌شود از این ظرف عکس بگیرم؟ فروشنده مانعی در این کار نمی‌بیند و به او اجازه می‌دهد.مرد بلورفروش به همه کسانی

که مقابل غرفه‌اش ایستاده‌اند و به زرق‌وبرق ظرف‌هایش نگاه می‌کنند، می‌گوید: توی کانال تلگرامی فروشگاه عکس ظروف را گذاشتم. به غیر از اینجا، در چهارراه دانش نیز شب‌بازاری برپاست که از اینجا قدیمی‌تر محسوب می‌شود. اما ویژگی این بازار که سابقه‌اش به هفت‌هشت‌سال می‌رسد، جوربودن جنس‌هایش است. یکی از غرفه‌داران قدیمی می‌گوید: آنجا جنس‌هایی می‌آورند که زوار بخرد ولی اینجا جنس‌هایش جور است. یک مشهدی در اینجا همه‌چیز می‌تواند بخرد.

به قول این فروشنده، اجناس تقریباً کامل است؛ از پوشاک تا لوازم خانه. از کالاهای دیجیتال و لوازم جانبی گوشی تا تبلیجات و اسباب‌بازی. اما امان از خریدهای ما که کتاب در آن جایی ندارد. کالای هنر و لوازم تحریر هست، اما مشتری کنار این اجناس نیست.

- مشتریان شاد بازار

بچه‌ها جلو غرفه‌ها باز یگوشی می‌کنند. سوز هوا برای تن بازیگوش آن‌ها، ملال‌آور نیست. به اسباب‌بازی‌ها که می‌رسند برای هم خاطره تعریف می‌کنند. انگار این بساط پهن شده است تا آن‌ها بی‌حجابا بیابند و تماشا کنند و خاطره بگویند و حتی چنددقیقه‌ای با اسباب‌بازی‌های چیده‌شده روی میزها بازی کنند. بچه‌ها در این بازار، بی‌دغدغه‌ترین آدم‌ها هستند.

یکی از غرفه‌ها شلوار چین می‌فروشد. برایمان سؤال است که متقاضیان، اندازه شلوار را چطور می‌سنجند. فروشنده می‌گوید: در بوستان، نمازخانه‌ای است که خانم‌ها آنجا پرو می‌کنند و آقایان هم همین‌جا اندازه می‌گیرند. اما در این روش شک و نگرانی زیاد است. هم برای خریدار که باید مسافت طولانی را برود و یک کالا را امتحان کند که شاید مناسبش نباشد و هم برای فروشنده سخت است که باید به همه خریدارانش در بوستان اعتماد کند و پیش از

تکان دادن سر، حرف از جور درنیامدن دخل و خرجش را به میان می‌کشد و از اجاره مغازه و گرانی قیمت خرید اولیه اجناسش می‌گوید. مشتری با چک و چانه خوک قهوه‌ای را با عدد ۹۸ که روی آن حک شده، به ۱۵هزار تومان می‌خرد و از مغازه خارج می‌شود.

درباره فروش این مجسمه‌ها و نمادهای تزئینی سال با این فروشنده صحبت می‌کنیم. او همان اول صحبت، حرف چشم‌بادامی‌ها را وسط می‌کشد و می‌گوید: همین مجسمه‌ها بیشتر چینی‌اند. خرید اولیه آن‌ها خیلی ارزان است اما با واسطه که دست ما می‌رسد، ۱۰هزارتومان قیمت تمام‌شده است. من به مشتری‌ها ۱۸هزار تومان قیمت می‌دهم و در نهایت ۱۵هزار تومان می‌فروشم. ولی باور کنید این میزان سود با هزینه‌های زیاد مغازه‌داری به هیچ‌جا نمی‌رسد. فقط در همین بازار دم‌عید است که به‌دلیل فروش تعداد زیاد، اوضاعمان کمی بهتر می‌شود. ظرف‌هایی را که برای هفت‌سین پشت وپترین گذاشته‌اند، یکی یکی قیمت می‌گیرم؛ از ظروف و مجسمه‌های مخصوص سبزه عید تا گلدان‌های تزئینی. فروشنده حتی برای ظروف سبزه عید هم از اجناس چینی جلوبمان می‌گذارد و با خنده می‌گوید: چینی‌ها برای سبزه سفره هفت‌سین ایرانی‌ها هم جیب دوخته‌اند. می‌بینید که ظروف مخصوص سبزه عید را هم وارد بازار کرده‌اند.این فروشنده با گلایه از زمین‌خوردن تولیدکنندگان داخلی تزئینات می‌گوید: برای یک کارگاه داخلی هزینه‌ها آن قدر زیاد است که اصلاً نمی‌صرفد تولید کند؛ چون قیمت تولیدشده‌گران درمی‌آید و اجناس روی دستش می‌ماند اما تولیدکننده چینی هزینه‌های داخلی‌ما را ندارد؛ لذا قیمت تمام‌شده اجناسش خیلی کمتر از تولید داخلی درمی‌آید. برای همین فروشنندگان هم سراغ جنسی می‌روند که ارزان‌تر باشد و مردم قدرت خرید آن را داشته باشند.

- بازار داغ گل‌های سنبل

تا همین یک دهه پیش و زمانی‌که هنوز مصرف‌گرایی دامن‌خیلی‌ها را ننگرفته بود، سبزه عید را خانم‌های خانه خودشان داخل بشقاب، کوزه یا ظروف یک‌بارمصرف می‌گذاشتند، اما حالا بیشتر خانم‌ها سبزه و سنبل را آماده از بازار می‌خرند. این روی آوردن به خرید سبزه آماده نوروز، بازار گل‌ها را داغ کرده است.

یکی از گل‌فروش‌ها می‌گوید: کار ما شغل شادی است. معمولاً غیر از دسته‌گل‌هایی که برای مراسم ختم سفارش داده می‌شود، باقی کسانی که سراغ گل‌فروشی می‌روند برای شادی و خوشی این کار را می‌کنند. اما در طول سال به‌دلیل کاهش قدرت خرید مردم و گرانی، بازار خوبی نداشته‌ایم. خدا را شکر که روزهای مانده به عید هم گل‌فروشی‌حال و هوای دیگری دارد؛ از گل‌های سنبل و شاد و خوشبو گرفته تا سبزه‌های سفره هفت‌سین مشتری دارد.

بیرون از بازار گل‌ها، جوانی دست‌فروش کنار جوراب‌های زنانه و مردانه که روی سنگ‌فرش خیابان بساط زده، تخم‌مرغ‌های هفت‌سین را هم به ردیف چیده است. نقاشی و تزئین روی تخم‌مرغ‌ها به‌شکل خوک در آمده تا نماد سال باشد و به قول خودش به فروش برسد.

- تخم‌مرغ‌های رنگی و ذوق کودکان

دست‌فروش جوان مدت‌ها بیکار بوده و حالا در اسفندماه به قول خودش به شغل موقت روی آورده است. می‌گوید: در آمده‌ام از شغل‌های دم‌عید به اندازه‌ای است که دوست به فروش اقدام نوروزی بزنید. مردم از بازار دم‌عید دست خالی به خانه بر نمی‌گردند. اگر وسیع مالی‌شان به خریدهای گران‌هم نرسد، حداقل از تخم‌مرغ‌های رنگی من، سبزه و مجسمه‌های نوروزی، یکی را می‌خرند. برای لفظاتی چشم‌به‌رفت‌وآمد رهگذران می‌دوزیم. دیدن بچه‌هایی که دست‌مادرانشان را می‌کشند و با انگشت، تخم‌مرغ‌های رنگی را نشان می‌دهند، حرف‌های دست‌فروش را تأیید می‌کند. بچه‌ها لیخن‌زنان مجسمه‌ها و تخم‌مرغ‌ها را در دست می‌گیرند و مسیر بازار شب‌عید را در پی شادی دیگری جست‌وجو می‌کنند. ●

- هفت سین ایرانی با مجسمه‌ها و عروسک‌های چینی!

سری هم به بازار گل می‌زنیم خوک‌ها پشت وپترین ردیف شده‌اند؛ از نوع سفالی، گچی، عروسکی و… خانمی یکی از مجسمه‌ها را برمی‌دارد و می‌گوید: آجیل کیلویی چندصدهزار تومان را که پولمان نمی‌رسد بخریم و سر سفره هفت‌سین بگذاریم؛ حداقل همین مجسمه سال را برداریم. فروشنده هم با حجت‌الاسلام سید ابراهیم ربیسی، تولیت آستان قدس رضوی، نیز در پیامی از مردم برای شرکت در سخنرانی دعوت به عمل آورد و در بخشی از این پیام آمده است: آغاز سال ۱۳۹۸ و اولین روز فروردین مقارن با ایام البیض ماه رجب المرجب، فصل شکوفایی طبیعت را با بهار دعا و نیایش پیوند زده است و شمیم دل‌انگیز مناجات و رایحه روح‌بخش بندگی خدءا، جان‌های مشتاقان را نوازش می‌دهد. آنچه برکت این‌تقارن مبارک را برای ما بیشتر و باشکوه‌تر جلوه می‌نماید درک این ایام نورانی در جوار مضجع شریف رضوی و در ماه زیارتی خاصه امام هشتم(ع) می‌باشد. همچنین به سیاق هر سال برای ما اهالی

اکنون که به فضل الهی و برکت وجود مضجع شریف حضرت رضاع) آغاز سال جدید را در جوار بارگاه منور رضوی آغاز می‌کنیم، تلاقی بهار، مجاورت و زیارت حرم ثامن‌الحجج(ع) و دیدار با ولی امر مسلمین جهان، حضرت آیتا… خامنه‌ای، را سرچشمه‌ای برای تبدیل حاکمان به احسن‌الحال و کلام مدبرانه معظم له را روشنی قلوب و لایصار می‌دانیم و به همین میمنت از همه مجاوران و زائران عزیز دعوت می‌کنم تا در آغازین روز بهار در جوار حرم امام مهربانی‌ها شنوای سخنان گهربار و حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی باشیم. امید است که با تلاش و همدلی در جهت شکوفایی روز افزون نظام مقدس جمهوری اسلامی گام برداریم.

دیدار با یار خراسانی

مسئولان استان از مردم برای حضور در سخنرانی عیدانه رهبر معظم انقلاب دعوت کردند

سال به مشهد مشرف می‌شوند و در همین مکان و در روز اول فروردین و از ساعت ۱۵ از افاضات ایشان بهره‌مند می‌شویم و راهبرد یک‌ساله حرکت انقلابی به ما رهنمود خواهد شد.

علیرضا رمی حسینی، استاندار خراسان رضوی، نیز در پیامی از زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی دعوت کرد تا در این مراسم حضور پیدا کنند. رزم حسینی در این پیام نوشته است:

شوق آمدن بهار طبیعت و آغاز سال نو، امید جان‌بخشی است که همه هستی را غرق در سرور و زندگی می‌کند، مردم انقلابی و آزاده ایران اسلامی بهاران‌رهایی از استبداد، استکبار و استعمار را ۴۰ سال با عزت،

عطر و بوی بهار، کوچه و خیابان‌های شهر را فرا گرفته و به هر کوی و برزن که بنگری، رنگی از نخستین ماه سال چشمانت را نوازش می‌کند و ما مشهدی‌ها باید شاکر پروردگار خود باشیم که سال جدید را در کنار بارگاه نورانی امام مهربانی‌ای آغاز می‌کنیم و از طرفی هم سال‌هاست که مردم مشهد مقدس و دیار خراسان در نوروز میزبان ولی امر مسلمین هستند.

در واقع امسال نیز مانند سال‌های گذشته مقام عظمی ولایت در ساعت ۱۵ اولین روز سال ۱۳۹۸ مهمان زائران و مجاوران حریم رضوی هستند و به سخنرانی خواهند پرداخت و در همین راستا نیز مسئولان استانی از مردم برای حضور در سخنرانی عیدانه ایشان دعوت به عمل آورده‌اند.

در همین راستا اولین خیرساز حضور در مقام معظم رهبری را آیتا… سید احمد علم‌الهدی در خطبه‌های نماز جمعه روز گذشته داد و گفت: مقام معظم رهبری اول



روزنامه شهرامید ورزشک

شنبه ۱۳۹۷ اسفند ۱۳۳۰ ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ SHAPARONLINE.R

